بودجه ۲۵۰ میلیون دلاری

براساس گزارش گاردین، سعود القحطانی مشاور اطلاعاتی محمد بن سلمان که پس از ارتباط با موضوع قتل جمال خاشقچی از سمت خود برکنار شده، یکی از چهره‌های پشت پرده حمایت مالی از شبکه ایران اینترنشنال است. در انتهای گزارش گاردین آمده که بر اساس صحبت‌های یک منبع محرمانه خبری، عربستان سعودی ۲۵۰ میلیون دلار برای کمک به ایجاد شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال کمک کرده و هزینه‌های این شبکه برای اجاره بها و حقوق پرداختی به کارکنان، سالانه حدود ۵۰ میلیون دلار است. البته مطلب گاردین به اینجا ختم نمی‌شود و در بخش دیگری از گزارش توضیح می‌دهد که مالکیت ایران اینترنشنال در دستان کمپانی «Volant Media» است و مدیریتش را شخصی به نام عادل عبدالکریم بر عهده دارد. این فرد رابطه‌ای طولانی با مقامات اجرایی مرتبط با دربار سعودی دارد و در مرکز رسانه‌ای خاورمیانه، یعنی شبکه ام بی سی نیز صاحب پست مدیریتی است.

طرح: محمدعلی رجبی

پشت‌پرده دعوای شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان چیست؟

نبرد عربستان روی امواج

میلاد ناظمی
روزنامه‌نگار

مدتی است شبکه ایران اینترنشنال تلاشش برای استخدام چهره‌های رسانه‌ای را آغاز کرده. مزدک میرزایی، معروف‌ترین چهره‌ای است که به استخدام این شبکه درآمد. البته تلاش‌های مدیران این رسانه صرفا به جذب نیروهای داخل ایران محدود نشده و سراغ چهره‌هایی رفتند که سال‌هاست در شبکه‌های معاند فارسی زبان فعالیت می‌کنند. یکی از مطرح‌ترین این افراد «مهدی پرپنچی» است که همین چند روز قبل خبر پیوستنش به ایران اینترنشنال رسانه‌ای شد. پرپنچی که سابقه حضور در بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا و رادیو فردا را دارد این سری به عنوان مدیر بخش آمریکای شبکه ایران اینترنشنال معرفی شد.

به گفته کارشناسان رسانه، این تغییر شغلی، نوک کوه یخی است که بین شبکه‌های فارسی زبان ماهواره دشمنی ایجاد کرده است. حالا مسأله اینجاست که شبکه تازه تاسیسی مثل ایران اینترنشنال چگونه نیروهای شبکه‌های دیگر را استخدام می‌کند؟ شرایط شغلی در این شبکه‌ها چگونه است که موجب سیل مهاجرت به ایران اینترنشنال شده؟ پشت پرده این شبکه کیست و چطور در مدت کوتاهی این‌گونه پیشرفت کرده؟ این سؤالات به همراه چند پرسش دیگر، نکاتی است که در گزارش به پاسخ آنها پرداخته‌ایم.

همه چیز از آخرین روز تابستان ۹۷ شروع شد. روزی که گروهی تروریستی در حین رژه ارتش به مردم حمله کردند و تعدادی از هموطنانمان را به شهات رساندند. ما داغدار عزیزانمان بودیم و به این فکر می‌کردیم که بعد از نابودی داعش کدام گروهک چنین حمله‌ای را علیه مردم ایران تدارک دیده که ناگهان «الاحوازی» اعلام کرد که حمله به مردم بی‌گناه توسط آنها رخ داده. کمی بعد از این اعتراف تروریستی، سخنگوی این گروه با یک شبکه فارسی‌زبان ماهواره‌ای مصاحبه کرد، اما اسم این شبکه نه تنها برای مردم کشورمان بلکه برای همه فارسی‌زبانان جهان ناآشنا بود؛ «ایران اینترنشنال» شبکه‌ای که حیاتش را قبل از انتخابات ۹۶ آغاز کرده بود اما مخاطب چندانی نداشت و تقریبا فراموش شده بود. در واقع حیات مجدد این شبکه با یک عملیات تروریستی شروع شد و طی یک برنامه‌ریزی دقیق زودتر از بی‌بی‌سی، صدای آمریکا و... با این گروه تروریستی ارتباط برقرار کرد. خیلی زود مشخص شد ریشه حمله‌ای که در امن‌ترین کشور خاورمیانه صورت گرفته نه به داعش برمی‌گشت، نه گروهک‌هایی مثل پژاک و... بلکه عربستان سعودی جایی است که الاحوازی از آن تغذیه می‌شود.

قاتل خاشقچی؛ صاحب شبکه

مرگ عجیب جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار معروف عربستانی که ده روز بعد از این حمله رخ داد و مثل بمب در همه جهان صدا کرد، وجهه دیگری به پرونده این شبکه فارسی‌زبان داد. البته در ظاهر ماجرای سلاخی خاشقچی، حمله تروریستی به اهواز و جهش اعتباری یک شبکه فارسی زبان ارتباطی به هم نداشتند اما یک توییت ساده از روزنامه‌نگار ایرانی گاردین مثل نخ تسبیح همه اینها را در طول یکدیگر قرار داد. سعید کمالی دهقان حدود یک ماه بعد از ترور جمال خاشقچی در توییتر خود نوشت: «می‌توانم تایید کنم که جمال خاشقچی به این دلیل کشته شد که (۴ مهر) با من تلفنی از استانبول صبح ۲۶ سپتامبر (۴ مهرماه) صحبت و افشا کرد تلویزیون ایران اینترنشنال توسط محمد بن سلمان و سعود القحطانی تامین مالی می‌شود».

حالا دیگر همه چیز مشخص شده بود. سکان گروه الاحوازی و ایران اینترنشنال در دست یک نفر بود و اگر کمی به حکومت سعودی بدبین باشیم، احتمالا باید به این فکر کنیم که کل حمله الاحوازی برای ظهور مجدد ایران اینترنشنال بوده چراکه هیچ شروعی مثل مصاحبه اختصاصی با سخنگوی یک گروه تروریستی نمی‌توانست باعث شهرت این شبکه شود.

مدتی بعد از آن توییت، کمالی دهقان در یک گزارش مفصل در گاردین از پشت‌پرده بودجه و منشا درآمد این شبکه پرده برداشت و اثبات کرد ایران اینترنشنال چیزی جز رسانه جدید محمد بن سلمان، ولیعهد جدید سعودی علیه ایران نیست. در گزارش گاردین آمده «شبکه تلویزیونی فارسی‌زبان ایران اینترنشنال که در لندن افتتاح شده، از طریق یک کمپانی خارجی حمایت مالی می‌شود که رئیس آن روابط نزدیکی با محمد بن سلمان، دارد. بسیاری از ۱۰۰ پرسنل این شبکه حقوق سخاوتمندانه‌ای دریافت می‌کنند که حدود دو برابر دیگر رقبای رسانه‌ای است اما همواره از اعلام منبع حمایت مالی خود طفره رفته‌اند.»

اعضای جدید شبکه

چند روز قبل اعلام شد مهدی پرپنچی، مدیر پیشین رادیو فردا و کارمند سابق بی‌بی‌سی فارسی به عنوان مدیر دفتر واشنگتن شبکه ایران اینترنشنال استخدام شده است.

در ظاهر کوچ این روزنامه‌نگار ساکن واشنگتن از یک شبکه فارسی زبان ماهواره‌ای به شبکه دیگر اتفاق بزرگی نیست اما مسائل پشت پرده این جابه‌جایی شغلی موجب شده که کارشناسان رسانه از آن به عنوان نوک کوه یخ یاد کنند. کوه یخی که نشان می‌دهد شبکه فارسی‌زبان سعودی‌ها در حال اغوا و به اصطلاح سرقت نیروهای سایر شبکه‌های فارسی زبان است. نکته قابل توجه این مهاجرت‌ها انگیزه جالب کارمندان جدید ایران اینترنشنال است. در میان مدیران ارشد ایران اینترنشنال، هیچ شخص معتبری مشغول به کار نیست. از طرفی یک شبکه تازه تاسیس با مخاطبان کم به لحاظ اعتباری به هیچ‌وجه قابل قیاس با بی‌بی‌سی نیست و مزیت نسبی سرگرمی‌محوری را هم در مقابل من‌وتو ندارد. پس انگیزه مهاجران چیزی جز پول نیست!

راهبرد رسانه سعودی برای قدرت گرفتن

جذب مجریان مشهور تنها روش ایران اینترنشنال برای به دست آوردن اعتبار نیست. مدیران این شبکه برای کارشناسان مهمان هم پیشنهادهای مالی ویژه‌ای دارند و سعی می‌کنند کارشناسان را به انحصار خود در بیاورند. برای مثال بی‌بی‌سی فارسی برای یک مصاحبه غیرحضوری با ارتباط تصویری حدود ۴۵ دلار می‌دهد، اما حق‌الزحمه شبکه سعودی برای همین کار از ۷۵ دلار شروع می‌شود که گاهی ممکن است تا دو برابر افزایش داشته باشد. این مسأله باعث شده به مرور دست سایر شبکه‌ها از کارشناس خالی شود. اختلاف رویکرد هم چالش دیگر سایر شبکه‌های معاند با ایران اینترنشنال است. در کنار همه این مسائل موضوع وقتی بغرنج‌تر می‌شود که شبکه‌های مختلف معاند فارسی‌زبان پس از سال‌ها تلاش و تثبیت مخاطب‌هایشان با شبکه‌ای مواجه شدند که بدون هیچ پیشینه و اعتباری توانسته کارمندان، کارشناسان و حتی مخاطب‌هایشان را برباید.

پروژه سعودی، بی‌بی‌سی را زمین‌گیر می‌کند

فرید مدرسی
روزنامه‌نگار

در کمپ رسانه‌های فارسی‌زبان معارض جمهوری اسلامی ایران کودتایی نرم رخ‌نمایی می‌کند. بستر این کودتا با بحران اقتصادی انگلیس و امریکا و تغییراتی در سیاست‌ها و روش‌های این دو فراهم شده است و شاید صاحبان این رسانه‌ها نیز خود پذیرای این کودتا شده‌اند. کودتایی که عربستان سعودی با سه رسانه آن را آغاز کرده و مشخص نیست به این سه رسانه ختم شود؛ ایران‌اینترنشنال، ام‌بی‌سی و ایندیپندنت فارسی. رهبری این کودتا با این کشور عربی است که می‌تواند هماهنگی‌هایی هم با طرف‌های غربی و عبری صورت گرفته باشد.

ایران‌اینترنشنال می‌خواهد جایگاه بی‌بی‌سی فارسی را پر کند و مخاطب آن را به سوی خود بکشاند؛ افت تعداد اعضای کانال بی‌بی‌سی فارسی، افول برنامه آن و جابجایی نیروهایش به اینترنشنال شواهدی از این ماجراست که اوج می‌گیرد و در آتیه تشدید می‌شود. ام‌بی‌سی فارسی نیز در آینده می‌خواهد بر جایگاه شبکه ماهواره‌ای من‌وتو بنشیند. اکنون در حال یارگیری و بسترسازی اولیه است تا به نقطه رقابت برسد. برنامه شبانگاهی بی‌بی‌سی فارسی برای شبکه ام‌بی‌سی فارسی در این راستا صورت گرفته؛ یا پارتنرهای بی‌بی‌سی فارسی از آن خواسته‌اند یا از رقابت قدیمی میان بی‌بی‌سی فارسی و من‌وتو سود برده‌اند تا ام‌بی‌سی فارسی را بالا بیاورد و ذهن مخاطبان را با آن آشنا کنند.

بستر این اقدام اگرچه با بحران اقتصادی امریکا و انگلیس و تغییر سیاست‌های آنان رقم خورده است اما نمی‌تواند دیگر عوامل رخ‌نمایی این کودتای نرم را نادیده گرفت. عواملی در هم پیچیده که چنین رخدادی را اجرایی می‌کند:

۱- امریکا بیشتر به جنگ رسانه‌ای بین‌المللی روی آورده و آنچنان به رسانه‌های فارسی‌زبان و عربی روی خوشی نشان نمی‌دهد؛ احساس می‌کند هزینه‌اش بیش از فایده‌اش است و بدون هزینه کردن، آنها مسیر او را تبلیغ و ترویج می‌کنند.

۲- انگلیس پس از جدایی از اتحادیه اروپا و تغییر سیاست اقتصادی‌اش نگاه خود را به رسانه‌های فارسی‌زبان تغییر داده و نمی‌خواهد بدون فایده شخصی، جاده صاف‌کن سیاست‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای امریکا، اسرائیل و عربستان باشد؛ قرار است تا آنجایی گام بردارد که به نفع سیاست‌های خود باشد یا هزینه آن را پیشتر از آنان گرفته باشد. از سوی دیگر صنعت رسانه‌داری‌اش هم نباید آسیب ببیند که با روش زردنگاری‌های جدید، رسانه‌های فارسی‌زبان معارض آنچنان به اصول حرفه‌ای وفادار نیستند و به صنعت رسانه‌ای بریتانیا ضربه می‌زنند.

۳- عربستان سعودی، با توجه به تجربه یمن به این باور رسیده که جنگ نظامی او با ایران برایش خطرناک، بسیار هزینه‌آور و پیروزی در آن غیرممکن است. پس جنگ نظامی را به جنگ رسانه‌ای تبدیل کرده و راهبرد تقویت تجزیه‌طلبی عربی را به استراتژی تقویت و همراه کردن همه جانبه تمامی اپوزیسیون ایران تغییر داده است. اکنون سعودی با هزینه مالی نامشخص و غیرمحدود و سیاست‌های باز [غیرمنظم] تلاش می‌کند در دوقطبی حامیان و مخالفان جمهوری اسلامی ایفای نقش کند و تمامی مخالفان کند، تند، سیاسی و تروریستی را زیر چتر خود بگیرد و هیچکدام را از خود نراند. در داخل ایران نیز دیده می‌شود که توانسته نفوذی مویرگی بیابد و نیز برخی چهره‌ها را به دام گفت‌وگو بکشاند. اکنون با توجه به رویکرد غرب، اپوزیسیون مانده و رانده تنها مامن خود را چتر عربستان سعودی می‌بینند و از سیاه‌تر شدن چهره خود ابایی ندارند.

در جنگ رسانه‌ای آتی باید عربستان را دید و اختلافات آن را با دیگر کشورها رصد و تحولات درون و برون سازمانی رسانه‌های مورد حمایت سعودی را ارزیابی کرد. این اتفاقات پر است از اشتباهات مکرر، اگر به دقت آن را مشاهده کنیم و نگذاریم تحلیل‌های کلان‌نگرانه، ما را از تحلیل‌های جزئی‌نگرانه دور کند؛ هر دو فوایدی دارد که غیرقابل چشم‌پوشی است.

حقوق به ارزش ۱۶۶ میلیون تومان در ماه!

انگیزه کارمندان جدید ایران اینترنشنال در پول خلاصه می‌شود که البته این گزاره به تایید مهاجران و کارمندان سابق این شبکه از جمله میثم بهروش و... نیز رسیده است. بهروش که در روزهای اخیر مدام از فساد مالی در ایران‌اینترنشنال می‌گوید، در توییتر خودش پیشنهادهای رسانه سعودی‌ها به کارمندان سایر شبکه‌ها را این‌گونه شرح داده: «مثلا برای کسی که بعد از یک دهه کار در بی‌بی‌سی، صرفا ۴۰ هزار پوند در سال می‌گیرد، حقوق ۱۰۰ هزار پوندی پیشنهاد می‌دهند. در یک مورد من ۱۵۰ هزار پوند در سال هم شنیدم که شاید اغراق باشد، شاید هم درست. البته ۱۵۰ هزار پوند در سال در مقایسه با بخوربخوری که برخی مدیران ارشد ایران اینترنشنال می‌کنند پول تو جیبی هم محسوب نمی‌شود.» برای این‌که متوجه ابعاد این حقوق نجومی شویم بهتر است آن را به تومان تبدیل کنیم. برای این‌کار کافی است حقوق ۱۰۰ هزار پوندی را در ۲۰ هزار تومان ضرب کنیم تا به مبلغ ۲۰ میلیارد تومان برسیم که اگر آن را بر تعداد ماه‌های سال تقسیم کنیم متوجه می‌شویم کارمند شبکه ایران‌اینترنشنال برای ماه نزدیک به ۱۶۶ میلیون تومان از این شبکه دریافتی دارد. البته این رقم برای همه کارمندها صادق نیست و برای مثال شواهد نشان می‌دهد مزدک میرزایی با پیشنهادی ۷۵ هزار پوندی به این شبکه پیوسته است.

حرف‌های بهروش به همین جا ختم نمی‌شود و می‌گوید: «برخورد تحقیرآمیز، ارباب‌رعیتی و گاه آشکارا نژادپرستانه برخی مدیران انگلیسی‌زبان ایران اینترنشنال با کارمندان ایرانی و همراهی ذلیلانه و خفت‌بار مدیران ایرانی با آنها هم موضوع بسیار مهمی است که باید به طور مجزا مورد بررسی و موشکافی قرار گیرد» این کارمند سابق ایران‌اینترنشنال در مورد شرایط کارمندان مهاجر به رسانه فارسی زبان محمد بن سلمان روی این نکته تاکید می‌کند که شرایط کاری و معیشتی برای خبرنگاران فارسی زبان به گونه‌ای است که اگر در رسانه‌های محدود فارسی زبان فعالیت نکنند، مجبورند به شغل‌هایی مانند مسافرکشی آنلاین رو بیاورند و همین باعث شده در مقابل تحقیرهای مدیران شبکه یا جهتگیری‌های سعودی دوستانه شبکه سکوت کنند.

> سعید کمالی خبرنگار گاردین اعلام کرد قتل پرحاشیه خاشقچی به خاطر افشاگری‌اش در مورد مدیریت محمدبن‌سلمان در ایران‌اینترنشنال بوده است

> ایران‌اینترنشنال می‌خواهد جایگاه بی‌بی‌سی فارسی را پر کند افت تعداد اعضای کانال بی‌بی‌سی فارسی، افول برنامه آن و جابجایی نیروهایش به اینترنشنال شواهدی از این ماجراست که اوج می‌گیرد و در آتیه تشدید می‌شود

در حاشیه

ورودی‌ها و خروجی‌ها

پس از مزدک میرزایی، احمد صمدی دومین فردی بود که از رسانه ملی به ایران اینترنشنال پیوست. البته صمدی برخلاف میرزایی شهرت چندانی نداشت و کمتر کسی او را به عنوان خبرنگار صداوسیما می‌شناخت اما با این حال پس از اتمام ماموریتش به عنوان گزارشگر اعزامی به برلین، به جای بازگشت به کشورش به انگلیس مهاجرت کرد و استخدام شبکه ایران اینترنشنال درآمد. البته بنا به شواهد این شبکه علاوه بر صمدی و میرزایی به افراد دیگری نیز پیشنهاد همکاری داده است اما اکثر پیشنهادهایش با بن‌بست مواجه شده چرا که کمتر کسی حاضر به وطن فروشی و حضور در یک رسانه معاند می‌شود.

در کنار آدم‌هایی مانند احمد صمدی یا مهدی پرپنچی که به شبکه سعودی الاصل پیوستند تعداد از خبرنگاران شبکه ایران اینترنشنال بعد از آگاهی از پشت صحنه مالی این رسانه یا برخوردهای نژاد پرستانه مدیران این شبکه از آن استعفا دادند. نگار مرتضوی، میثم بهروش و... از جمله این افراد هستند.

چهره‌های آشنا

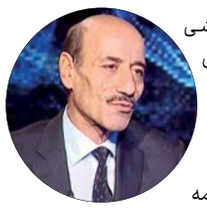

هت‌تریک، برنامه ورزشی شبکه فارسی‌زبان ایران اینترنشنال، آشناترین چهره‌ها در خود جای داده است. از مزدک میرزایی که اجرای این برنامه را بر عهده دارد تا محمد تقوی که با سابقه سرمربی‌گری تراکتور سازی و بازی در تیم استقلال به عنوان کارشناس در این برنامه حضور دارد. قبل از تقوی، جلال طالبی سرمربی تیم ملی ایران در بازی قرن یعنی بازی با تیم ملی آمریکا به عنوان کارشناس این برنامه حضور داشت.

کیفیت کارمندان جدید

یکی از چهره‌هایی که از شبکه من‌وتو به ایران اینترنشنال پیوست، نوید غضنفری کارشناس حوزه سینما است. البته عمده شهرت غضنفری به جای صحبت‌های کارشناسی‌اش به سؤال سراسر اشتباهش از جیم جارموش، کارگردان مطرح سینما برمی‌گردد. او در نشست خبری «مرده‌ها نمی‌میرند» سعی کرد سؤالی را به زبان انگلیسی بپرسد اما در نهایت نتوانست. البته ایرادات غضنفری به همین جا ختم نشد. جالب‌ترین بخش سؤال این کارمند جدید شبکه ایران‌اینترنشنال به زمانی برمی‌گشت که می‌خواست خودش و محل کارش را معرفی کند. او به جای اعلام اسم رسانه‌اش ترجیح داد خود را نماینده «یک تلویزیون ایرانی» معرفی کند. ویدئوی این گفت‌وگو پس از انتشار در سطح اینترنت باعث شوخی‌های زیادی شد چراکه او بعد از سال‌ها حضور در من‌وتو هنوز نمی‌تواند یک سؤال را به شکل صحیح مطرح کند.

بزرگ‌ترین دشمن

حدود ۹ سال قبل من‌وتو راه‌اندازی شد. این شبکه در ظاهر متعلق به کیوان عباسی و مرجان عباسی است. دو نامی که در واقعی بودنشان تردید جدی وجود داد. ترازنامه مالی من‌وتو نشان می‌دهد طی سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ حدود ۳۳ میلیون پوند ضرر کرده و معلوم نیست شبکه‌ای که تبلیغات ندارد چطور با این ضرر هنگفت به کارش ادامه می‌دهد.

بزرگ‌ترین رقیب ایران اینترنشنال همین شبکه من و تو است. بنا به شنیده‌ها، حدود ۴۰ نفر از اعضای من‌وتو به ایران اینترنشنال پیوسته‌اند. همین کافی است تا متوجه شویم سعودی‌ها چه ضربه بزرگی به من‌وتو زده‌اند. دیدگاه‌های سلطنت‌طلبانه و به ظاهر ملی‌گرایانه من‌وتو با نگاه ایران‌اینترنشنال که برخاسته از عربستان سعودی است، تفاوت بسیار دارد. از طرفی من‌وتویی‌ها می‌ترسند مخاطبی را که ذره ذره جمع کردند، به واسطه پول‌های سعودی یکشبه بر باد برود.